

بررسی خودشیفتگی مدیران و عملکرد مالی با توجه به کیفیت حسابرسی در شرکتهای پذیرفته شده در بازار بورس تهران

محمد رضا رازدار^۱؛ محدثه نهوری^۲

۱- عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد قائنات ، ایران

۲- دانشجوی کارشناسی ارشد دانشگاه آزاد اسلامی واحد قائنات ، ایران (نویسنده مسئول)

چکیده

اصول راهبری شرکتهای نقش مهمی را در بهبود عملکرد شرکت ایفا می کند و ارتباط مستقیمی بین اصول راهبری و عملکرد شرکت در بازارهای مالی توسعه یافته و در حال توسعه وجود دارد. یکی از عناصر مرتبط با عملکرد شرکت، مبحث خود شیفتگی مدیران می باشد. در این تحقیق جهت اندازه گیری خوششیفتگی مدیران از پاداش نقدی مدیران تقسیم بر کل هزینه حقوق و دستمزد سال استفاده شده است و بازده دارایی ها و بازده حقوق صاحبان سهام معیارهای عملکرد مالی در نظر گرفته شده و جهت کیفیت حسابرسی اندازه حسابرسی مورد استفاده قرار گرفته است. با استفاده از نمونه ای شامل ۱۹۲ شرکت از شرکت های بورس اوراق بهادار تهران طی دوره ۱۳۹۲-۱۳۹۷ و با استفاده از مدل رگرسیون، نتایج تحقیق مبین این موضوع است ارتباط معنی داری بین خودشیفتگی مدیران و بازده دارایی ها و بازده حقوق صاحبان سهام وجود دارد. دیگر نتایج حاصل از آزمون فرضیات نشان داد که اندازه حسابرسی به عنوان کیفیت حسابرسی هیچ اثر معنی داری بر رابطه بین خودشیفتگی مدیران و عملکرد مالی شرکتهای ندارد.

واژه های کلیدی: خودشیفتگی مدیران، کیفیت حسابرسی، اندازه حسابرسی، عملکرد مالی.

مقدمه:

امروزه ارائه اطلاعات حسابداری و گزارش های مالی قابل اتکا از نیازهای اساسی دنیای متحول کنونی است. برای حصول اطمینان از این امر نیاز به ساز و کارهایی همانند بررسی قیمت های سهام شرکت ها و سایر بنگاه های اقتصادی است. ارزیابی عملکرد شرکت ها از مهمترین موضوعات مورد توجه سرمایه گذاران، اعتبار دهندگان، مدیران و دولت ها است. در دنیای رقابتی امروز ایجاد یک سیستم مناسب ارزیابی عملکرد شرکت ها امری ضروری است. سرمایه گذاران علاقه مند هستند دریافتند از سرمایه گذاری انجام شده چه اندازه ایجاد ارزش شده است (خواجوی و همکاران، ۱۳۹۴). در مورد سودآوری شرکتها از دو نسبت مالی مهم یعنی بازدهی دارایی ها و بازدهی حقوق صاحبان سهام جهت اندازه گیری شاخص سودآوری استفاده میشود. «ریوارد و توماس» در سال ۱۹۹۷ پیشنهاد می کنند که بازدهی دارایی ها بهترین نسبت برای اندازه گیری سودآوری شرکت است. چون بازدهی دارایی ها درگیر سهامداران نشده و یک تخمین بهتر از توانایی شرکت برای ایجاد بازده در پرتفوی دارایی ها می دهد. ولی بازدهی حقوق صاحبان سهام انعکاسی از چگونگی اثربخشی مدیریت شرکت در استفاده از وجوه سهامداران است. از این رو بازدهی دارایی ها ارتباطات مالی کمتری داشته و لذا اکثر شرکتها از اهرم مالی برای افزایش بازدهی حقوق صاحبان سهام در سطوح رقابتی خود بهره مند می شوند (ریوارد و توماس، ۱۹۹۷). خودشیفتگی در سال های اخیر مورد توجه بسیاری از محققان حوزه مدیریت به عنوان یک مجموعه پیچیده و گسترده از خصوصیات و فرآیندهای شخصیتی می باشد که با یک حس خود برتربینی شکننده و طلب تحسین از سوی دیگران مرتبط میباشد. (آمس و دیگران، ۲۰۰۶) یکی از عامل های ایجاد خودشیفتگی، ساختار سازمانها و علی الخصوص رأس مدیریت می باشد. مدیرانی که خودشیفته می باشند اکثرا دارای خصوصیات هوشمندی، پر تلاش و همچنین در حوزه فعالیت خود خوشنام و سر شناس هستند. در شرایط و حد مشخصی خودشیفتگی مدیر می تواند برای سازمان مفید و ارزشمند باشد و همان ویژگی ها که فرد را یک مدیر خوب می سازد، نیازهای ناشی از خودشیفتگی در آنها خلاقیت سازمانی را خنثی کرده و در عین حال مخرب هم باشد. (رجبی، ۱۳۹۵). هنگامی که عملکرد کنترل داخلی به طور موثر اجرا می شود، صورت های مالی مبهم متوقف خواهد شد. بنابراین، کیفیت کنترل داخلی باید از طریق کیفیت حسابرس داخلی بهبود یابد. (اژه، ۲۰۱۵). کیفیت حسابرسی نقش مهمی در کاهش رفتار حسابداری تهاجمی مدیریت دارد؛ از این رو حسابرس قابل اطمینان انتظار می رود اقدام به پیش بینی هر اقدام تقلبی که ممکن است در آینده رخ دهد، کند. (پراویت و وود، ۲۰۰۹). کیفیت حسابرسی به عنوان یک عامل و فاکتور میتواند عملکرد مدیریت و تصمیمات مدیریت را از طریق نظارت بهتر سرمایه گذاران تحت تاثیر قرار دهد. بصورتی که گزارش حسابرسی به دلیل استقلال حسابرس همیشه مورد توجه سهامداران و اعتباردهندگان میباشد و معیاری جهت ارزیابی مدیریت و عملکرد شرکت می باشد. یکی از موارد تاثیرگذار بر کیفیت گزارش حسابرس و دقت حسابرس که در تحقیقات پیشین هم مورد بررسی

قرار گرفته است و در واقع میتواند کیفیت خدمات حسابرسی را تحت تاثیر قرار دهد بزرگی و شهرت موسسه حسابرسی و در واقع اندازه موسسه حسابرس میباشد. با توجه به مطالب گفته شده این سوال پیش می آید که آیا بین خودشیفتگی مدیران و عملکرد مالی ارتباط معنی داری وجود دارد، و دوم اینکه آیا اندازه حسابرس میتواند به عنوان یک عامل و معیار کیفیت، ارتباط بین خودشیفتگی مدیران و عملکرد مالی را تحت تاثیر قرار دهد؟

پیشینه پژوهش :

بلی لوک و گارد (۲۰۱۷) به بررسی رابطه بین ساختار مالکیت و تفاوت سود حسابداری و سود مشمول مالیات پرداختند. نتایج حاصل از تجزیه و تحلیل اطلاعات مبین این موضوع است که افزایش نسبت بدهی در ساختار سرمایه شرکت، موجب افزایش میزان انطباق سود حسابداری و سود مشمول مالیات می شود. همچنین نتایج این تحقیق نشان دهنده این موضوع است که با افزایش اختلاف بین سود حسابداری و مشمول مالیات، هزینه حقوق صاحبان سهام افزایش می یابد. جاسمن و موروانینگساری (۲۰۱۸) مطالعه ای با هدف بررسی نقش کیفیت حسابرسی بر اثرات خودشیفتگی مدیران اجرایی بر مدیریت سود واقعی از طریق دستکاری نمودن فعالیت های واقعی انجام داده اند. طرح پژوهش، روش کمی با استفاده از داده های ثانویه است. نمونه مورد استفاده در این مطالعه شامل ۱۱۶ شرکت تولیدی است که در بورس اوراق بهادار اندونزی برای دوره ۲۰۱۳ تا ۲۰۱۵ ذکر شده است. نتایج تحقیق نشان می دهد که خودشیفتگی مدیران اثرات مثبت و معنی داری بر مدیریت درآمد واقعی در الگوی جریان نقدی از عملکرد و الگوی هزینه های اختیاری دارند. خودشیفتگی مدیران ارشد تاثیر معناداری بر مدیریت واقعی درآمد در الگوی هزینه های تولید نمی گذارد. نتایج این مطالعه همچنین شواهد تجربی را ارائه می دهد که کیفیت حسابرسی می تواند تاثیر خودشیفتگی مدیران بر مدیریت درآمد واقعی در الگوی جریان نقدی عملیات را کاهش دهد. در همین حال، کیفیت حسابرسی نمی تواند تاثیرات خودشیفتگی مدیران ارشد بر مدیریت واقعی درآمد در الگوهای هزینه های تولید و هزینه های اختیاری را کاهش دهد. کاپالو و دیگران (۲۰۱۸) مطالعه ای با هدف آزمون تجربی تاثیر خودشیفتگی مدیران اجرایی بر مدیریت درآمد انجام داده اند. در این مطالعه، با استفاده از ضمائر تکمیلی اول شخص توسط مدیران اجرایی در پاسخ به سوالات در کنفرانس های تحلیل گران برای سنجش خودشیفتگی مورد بررسی قرار گرفته است. نتایج نشان داده است که شرکت هایی که مدیران خودشیفته را در اختیار دارند، درگیر مدیریت سود می شوند تا درآمد مثبت را مدیریت کنند و تاثیر مهمی از شخصیت مدیر اجرایی را بر انتخاب های حسابداری برجسته نمایند. حسنی و عظیمزاده (۱۳۹۶) در پژوهشی به بررسی رابطه بین کیفیت حسابرسی و مدیریت سود ناشی از اقلام تعهدی پرداختند. یافته ها نشان داد که شرکت های درگیر بحران مالی مدیریت سود کمتری داشته اند که توسط موسسات بزرگ حسابرسی شده اند. فتاحی نافچی و فاضل دهکردی (۱۳۹۷) پژوهشی با هدف بررسی تاثیر کیفیت حسابرسی بر مدیریت سود مبتنی بر اقلام تعهدی و مدیریت سود

واقعی در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران انجام داده‌اند. بدین منظور نمونه‌ای متشکل از ۱۱۸ شرکت پذیرفته شده در بورس در بازه زمانی ۱۳۸۹ الی ۱۳۹۵ مورد بررسی قرار گرفته است. نتایج نشان می‌دهد که با افزایش کیفیت حسابرسی، مدیریت سود روند کاهشی دارد و استقلال حسابررس و اندازه موسسه حسابرسی در مقایسه با دیگر مولفه‌های اندازه‌گیری کیفیت حسابرسی، تاثیرگذارتر و دارای ارتباط منفی و معناداری به ترتیب با مدیریت سود مبتنی بر اقلام تعهدی و مدیریت سود واقعی می‌باشند.

اهداف تحقیق:

افزایش منافع سهامداران و سرمایه‌گذاران و ایجاد سود و استفاده بهینه از منابع هدف و وظیفه اصلی مدیریت می‌باشد. بررسی و بازنگری صورتهای مالی توسط حسابرسان به عنوان یک سازو کار کنترلی با هدف کاهش عدم تقارن اطلاعات بین سهامداران و سایر ذینفعان انجام می‌شود. هدف از انتخاب حسابررس و انجام کار حسابرسی، کمک به اعضای هیئت مدیره در درک بهتر نتایج و همکاری حل مشکلات کنترل داخلی یا نقاط ضعف مشخص شده طی دوره مالی و اطمینان بخشیدن به سهامداران و استفاده کنندگان از صورتهای مالی در خصوص عملکرد مالی شرکت می‌باشد. حال با توجه به توضیحات ذکر شده هدف اصلی این مطالعه بررسی تأثیر خودشیفتگی مدیران بر عملکرد مالی شرکت با توجه به اندازه حسابررس در بین شرکت‌های بورس اوراق بهادار تهران است و اهداف فرعی مطالعه به صورت زیرارائه می‌گردد:

- ۱- بررسی ارتباط بین خودشیفتگی مدیران و بازده دارایی‌ها.
- ۲- بررسی ارتباط بین خودشیفتگی مدیران و بازده حقوق صاحبان سهام.
- ۳- بررسی ارتباط بین خودشیفتگی مدیران و بازده دارایی‌ها با توجه به اندازه حسابررس.
- ۴- بررسی ارتباط بین خودشیفتگی مدیران و بازده حقوق صاحبان سهام با توجه به اندازه حسابررس.

فرضیه‌ها:

- ۱- ارتباط معنی داری بین خودشیفتگی مدیران و بازده دارایی‌ها وجود دارد.
- ۲- ارتباط معنی داری بین خودشیفتگی مدیران و بازده حقوق صاحبان سهام وجود دارد.
- ۳- اندازه حسابررس نقش تعدیلی در ارتباط بین خودشیفتگی مدیران و بازده دارایی‌ها دارد.
- ۴- اندازه حسابررس نقش تعدیلی در ارتباط بین خودشیفتگی مدیران و بازده حقوق صاحبان سهام دارد..

روش تحقیق و جامعه مورد مطالعه :

این پژوهش از لحاظ هدف کاربردی و از لحاظ ماهیت توصیفی-همبستگی است. جامعه پژوهش حاضر کلیه شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران در فاصله زمانی بین سال‌های ۱۳۹۷ _ ۱۳۹۲ هجری شمسی با توجه به نمونه‌گیری سیستماتیک خواهد بود.

روش نمونه گیری:

در این پژوهش برای انتخاب نمونه از روش حذف سیستماتیک استفاده شده است، بدین ترتیب که نخست تمام شرکت ها در دوره زمانی ۱۳۹۷ _ ۱۳۹۲ انتخاب شدند، سپس از بین شرکت های موجود، شرکت های فاقد هر یک از شرایط زیر از نمونه خارج شدند:

۱- قبل از سال ۱۳۹۱ در بورس پذیرفته شده باشند.

۲- اطلاعات آن ها در دسترس باشد.

۳- جز شرکت های سرمایه گذاری و واسطه مالی نباشد.

۴- سهام شرکت ها در طول سال های تحقیق معامله شده باشد.

۵- پایان سال مالی آنها ۲۹ اسفند باشد و شرکت ها نباید سال مالی خود را تغییر داده باشند.

با توجه به مجموعه شرایط فوق، منتخبی از شرکت هایی که در طی دوره ۱۳۹۷ _ ۱۳۹۲ شرایط فوق را دارا باشند به عنوان جامعه آماری انتخاب خواهند شد.

روش و ابزار گردآوری داده ها:

روش گردآوری داده ها اسنادکاوی است و داده های مورد نیاز از صورت های مالی حسابرسی شده شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران و بانک های اطلاعاتی و نرم افزارهای موجود در این زمینه نظیر نرم افزار «تدبیرپرداز» و «ره آورد نوین» به دست می آید. همچنین در مواردی که داده های موجود در این بانک های اطلاعاتی ناقص باشد، به آرشیوهای موجود در کتابخانه سازمان بورس اوراق بهادار و سایت اینترنتی مدیریت پژوهش، توسعه و مطالعات اسلامی سازمان بورس اوراق بهادار مراجعه خواهد شد.

شیوه تجزیه و تحلیل داده ها :

با توجه به فرضیات تحقیق از مدلهای رگرسیون چندگانه جهت آزمون فرضیات به صورت زیر استفاده خواهد شد.

مدلهای تحقیق:

مدل آزمون فرضیه اول و سوم

$$ROA_{it} = \beta_0 + \beta_1 MN_{it} + \beta_2 AUDITE_{it} + \beta_3 (MN_{it} * AUDIT_{it}) + \beta_4 SIZE_{it} + \beta_5 MBit + \beta_6 LEV_{it} + \beta_7 AGE_{it} + \beta_8 BDIND_{it} + \varepsilon_{it}$$

مدل آزمون فرضیه دوم و چهارم:

$$ROE_{it} = \beta_0 + \beta_1 MN_{it} + \beta_2 AUDITE_{it} + \beta_3 (MN_{it} * AUDITE_{it}) + \beta_4 SIZE_{it} + \beta_5 MB_{it} + \beta_6 LEV_{it} + \beta_7 AGE_{it} + \beta_8 BDIND_{it} + \varepsilon_{it}$$

متغیر وابسته:

ROA: بازده دارایی ها، نسبت سود بعد از کسر مالیات بر کل دارایی های شرکت i در سال t می باشد.

ROE: بازده حقوق صاحبان سهام، نسبت سود بعد از کسر مالیات بر جمع حقوق صاحبان سهام شرکت i در سال t می باشد.

و متغیرهای مستقل عبارتند از:

خودشیفتگی مدیران: MN

برای محاسبه این متغیر به پیروی از اولسن و همکاران (۲۰۱۴) و اولسن و استکلبرگ (۲۰۱۶) از شاخص پاداش نقدی مدیران استفاده می گردد. شاخص پاداش نقدی مدیران نیز از طریق پاداش نقدی مصوب در جلسه مجمع عمومی تقسیم بر کل حقوق و دستمزد پرداختی سال مالی شرکت اندازه گیری می گردد.

Audit Size: اندازه حسابرس، چنانچه سازمان حسابرسی شرکت را حسابرسی کرده باشد عدد ۱ و در غیر اینصورت عدد ۰ در نظر گرفته می شود.

و متغیرهای کنترلی شامل:

BDIND $_{i,t}$: نسبت مدیران مستقل (غیر موظف) در هیئت مدیره شرکت i در سال t می باشد.

SIZE $_{i,t}$: اندازه شرکت (لگاریتم ارزش بازار شرکت در پایان سال) که از حاصل ضرب تعداد کل سهام در قیمت بازار هر سهم شرکت i در سال t به دست می آید.

Mbit: شاخص رشد، نسبت ارزش بازار سهم شرکت i در سال t به ارزش دفتری سهم آن شرکت در همان سال می باشد.

AGE $_{i,t}$: سن شرکت i در سال t شامل تعداد سال هایی که شرکت به عضویت بورس اوراق بهادار در آمده است.

Leverage: اهرم مالی، از مجموع بدهی ها تقسیم بر جمع دارایی ها بدست می آید.

ε: باقیمانده

تفسیر یافته ها و نتایج فرضیه ها

آمار توصیفی

نتایج آمار توصیفی این پژوهش شامل میانگین، میانه، انحراف معیار، کمترین و بیشترین مشاهده در جداول ذیل گزارش گردیده است. همچنین لازم به توضیح است که تعداد شرکت‌های مورد مطالعه ۱۹۲ شرکت که اطلاعات آنها برای ۶ سال متوالی جمع‌آوری شده است.

جدول ۱ آمار توصیفی متغیرهای مربوط به الگوهای آزمون فرضیه‌های پژوهش

متغیرها	سال - شرکت	نماد	میانگین	میانه	انحراف معیار	کمترین مقدار	بیشترین مقدار
خودشیفتگی مدیران	۱۱۵۲	MN	۰/۲۶۱	۰/۰۴۲	۰/۶۲۴	۰/۰۰۰	۰,۳۲۱
اندازه شرکت	۱۱۵۲	Size	۱۳/۷۱۳	۱۳/۶۹۰	۱/۵۲۸	۹/۲۵۴	۱۹/۱۹۲
نسبت ارزش بازار به ارزش دفتری حقوق صاحبان سهام	۱۱۵۲	MB	۲/۴۱۵	۱/۸۵۸	۲/۱۱۲	۰/۰۰۸	۱۸/۵۳۱
سن شرکت	۱۱۵۲	Firm age	۱۸/۴۶۵	۱۷/۰۰۰	۸/۴۱۳	۲/۰۰۰	۵۰/۰۰۰
بازده دارایی ها	۱۱۵۲	ROA	۰/۰۶۰	۰/۰۶۷	۰/۲۱۵	-۰/۶۸۰	۰/۸۴۱
بازده حقوق صاحبان سهام	۱۱۵۲	ROE	۰,۵۵۸۴	۰,۱۱۶	۱,۱۵۸۱	-۰,۶۰۴۲	۸,۱۰۳۴
اهرم مالی	۱۱۵۲	Lev	۰,۱۹۲۵	۰	۰,۲۳۶۴۳	۰	۱
استقلال هیات مدیره	۱۱۵۲	BDIND	۰,۶۰۱	۰,۶۰۰	۰,۲۷	۰	۱

جدول ۲- فراوانی متغیر های صفر و یکی مربوط به الگوهای آزمون فرضیه‌های پژوهش

نام متغیر	نماد	یک		صفر		کل	
		درصد فراوانی	فراوانی	درصد فراوانی	فراوانی	درصد فراوانی	فراوانی
اندازه حسابرس	Audit size	۱۳۸	۲۵	۴۰۸	۷۵	۵۴۶	۱۰۰

با توجه به نتایج آمار توصیفی ۲۵ درصد جامعه مورد بررسی توسط سازمان حسابرسی مورد حسابرسی قرار گرفته شده نتایج همچنین بیانگر این است که به طور میانگین خودشیفتگی مدیران معادل ۲۶ درصد می باشد.

بررسی همخطی متغیرهای مورد استفاده در پژوهش

هم خطی به وضعیتی اطلاق می گردد که یک متغیر توضیحی تابعی خطی از سایر متغیرهای توضیحی باشد. در یک معادله رگرسیون اگر هم خطی بالا باشد، بدین معنی است که بین متغیرهای توضیحی همبستگی بالایی وجود دارد و ممکن است با وجود بالا بودن R^2 ، مدل دارای اعتبار بالایی نباشد. به عبارت دیگر با وجود آن که مدل خوب به نظر می رسد ولی دارای متغیرهای توضیحی معنی داری نمی باشد. در این پژوهش جهت بررسی همخطی از آزمون VIF استفاده گردید که نتایج در جدول ذیل خلاصه شده است. اگر آماره آزمون VIF به یک نزدیک باشد نشان دهنده عدم وجود هم خطی است. به عنوان یک قاعده تجربی مقدار VIF بزرگتر از ۵ باشد همخطی چند گانه بالا می باشد. برخی متخصصان آماری این عدد را تا ۱۰ نیز قابل پذیرش دانسته اند.

جدول ۳: نتایج آزمون VIF برای متغیرهای توضیحی مورد استفاده در مدل های رگرسیونی پژوهش

Centere d VIF	نماد	متغیرها	Centere d VIF	نماد	متغیرها
۱/۰۹۰	ROE	بازده حقوق صاحبان سهام	۵/۷۴۵	Manager	خودشیفتگی مدیران
۱/۳۴۰	Size	اندازه شرکت	۲/۴۲۹	Audit size	اندازه حسابرس
۱/۰۸۵	MB	نسبت ارزش بازار به ارزش دفتری حقوق صاحبان سهام	۲/۴۶۸	MN*AUDIT SIZE	تقابل خودشیفتگی مدیران و اندازه حسابرس
۱/۱۲۲	Firm age	سن شرکت	۱/۱۱۷	BIND	استقلال هیئت مدیره
۱/۳۵۷	ROA	بازده دارایی ها			

با توجه به اینکه آماره VIF متغیرهای بالا زیر ۱۰ می باشد بنابراین همخطی بین متغیرهای توضیحی مدل رگرسیونی پژوهش شدید نبوده و مشکلی در برازش به وجود نخواهد آمد.

برازش مدل مربوط به آزمون فرضیه اول و سوم پژوهش

$$ROA_{it} = \beta_0 + \beta_1 MN_{it} + \beta_2 AUDITE_{it} + \beta_3 (MN_{it} * AUDIT_{it}) + \beta_4 SIZE_{it} + \beta_5 MBit + \beta_6 LEV_{it} + \beta_7 AGE_{it} + \beta_8 BDIND_{it} + \varepsilon_{it}$$

از آنجایی که داده های مورد استفاده در متغیر های مدل آماری بالا از نوع پانلی (ترکیبی) می باشد، بنابراین جهت انتخاب روش مناسب برازش می بایست ابتدا با استفاده از آزمون چاو جهت انتخاب روش مناسب اقدام نمود.

آزمون F لیمر (چاو) برای مدل مربوط به آزمون فرضیه های اول و سوم پژوهش

نتایج بدست آمده از آزمون F بر روی مدل رگرسیونی برازش فرضیه های پژوهش در جدول ذیل بیان گردیده است:

جدول شماره ۴: نتایج آزمون F لیمر (چاو) برای مدل مربوط به آزمون فرضیه های اول و سوم پژوهش

فاکتور آزمون	آماره F	P - Value	نتیجه آزمون
ثابت بودن اثرات زمان	۱/۶۲۳	۰/۱۵۳	پذیرش H_0 : روش ols مناسب است
ثابت بودن اثرات مقاطع	۱۱/۱۱۶	۰/۰۰۰	رد H_0 : روش پانل مناسب است
ثابت بودن همزمان اثرات زمان و مقاطع	۱۰/۶۲۶	۰/۰۰۰	رد H_0 : روش پانل مناسب است

با در نظر گرفتن نتایج ارائه شده در بالا، سطح اطمینان آزمون F در دو حالت برابر ۰/۰۰۰ می باشد که نشان دهنده رد شدن فرضیه H_0 و برتری روش پانلی با اثرات ثابت می باشد. حال که نتیجه آزمون چاو نشان داد، روش تخمین مدل آماری، استفاده از روش پانلی ارجح تر است، جهت مشخص شدن استفاده از اثرات ثابت یا تصادفی از آزمون هاسمن بهره گرفته شده است.

آزمون هاسمن برای مدل مربوط به آزمون فرضیه های اول و سوم پژوهش

پس از قطعی شدن استفاده از روش داده های پانلی، لازم است تا مشخص نماییم که مدل پانلی مورد استفاده می بایست دارای اثرات ثابت باشد یا اثرات تصادفی. برای این منظور از آزمون هاسمن استفاده نموده ایم که نتایج آن در جدول ذیل خلاصه شده است:

جدول شماره ۵: نتایج آزمون هاسمن برای مدل مربوط به آزمون فرضیه های اول و سوم پژوهش

فرضیه H_0	آماره کای -	P - Value	نتیجه آزمون
استفاده از روش اثرات تصادفی	۵/۶۶۴	۰/۹۹۱	پذیرش H_0 : روش پانلی با اثرات تصادفی مناسب تر است

با توجه به پذیرش فرض صفر آزمون هاسمن برای مدل فوق، نتیجه می‌شود که روش برآورد پارامترهای این مدل، روش پانلی با اثرات تصادفی است.

برآورد پارامترهای مدل مربوط به آزمون فرضیه های اول و سوم پژوهش

پس از تعیین روش برازش نهایی برای تخمین مدل آزمون فرضیه‌های اول و سوم پژوهش، نتایج حاصل از برازش مدل به شرح جدول ذیل برآورد می‌گردد:

جدول ۶ نتایج برازش مدل مربوط به آزمون فرضیه های اول و سوم پژوهش

متغیرها	نماد	ضرایب رگرسیون	انحراف معیار	آماره t	P - Value
مقدار ثابت	β_0	۰/۲۱۲	۰/۲۵۵	۰/۸۳۳	۰/۴۰۵
خودشیفتگی مدیران	Manager	۰/۰۳۲	۰/۰۹۷	۲/۳۲۹	۰/۰۴۲
اندازه حسابرس	Audit size	۰/۰۱۱	۰/۰۲۴	۰/۴۷۶	۰/۶۳۴
تقابل خودشیفتگی مدیران و اندازه حسابرس	Manager \times audit size	۰/۰۲۴	۰/۰۶۴	۰/۳۶۷	۰/۷۱۴
استقلال هیات مدیره	BDIND	۰/۰۸۷	۰/۰۵۱	۱/۶۹۶	۰/۰۷۳۲
اهرم مالی	leverage	۰/۰۱۲	۰/۰۳۷	۰/۳۳۰	۰/۷۴۱
اندازه شرکت	Size	-۰/۰۳۲	۰/۰۱۸	-۱/۷۳۹	۰/۰۷۵۲
نسبت ارزش بازار به ارزش دفتری حقوق صاحبان سهام	MB	۰/۰۰۱	۰/۰۰۲	۰/۳۰۶	۰/۷۶۰
سن شرکت	Firm age	۰/۰۰۳	۰/۰۰۴	۰/۷۱۴	۰/۴۷۶
ضریب تعیین	۰/۲۸۳	آماره F مدل	۵/۷۹۹		
ضریب تعیین تعدیل شده	۰/۲۷۴	سطح معناداری رگرسیون	۰/۰۰۰		

با توجه به نتایج بدست آمده حاصل از تخمین مدل ارائه شده در جدول بالا و بررسی P - Value هر یک متغیرها می‌توان نتیجه گرفت که تنها متغیر خود شیفتگی مدیران با بازده دارایی‌ها رابطه مثبت و معناداری دارند. از طرف دیگر تقابل

خودشیفتگی مدیران و اندازه حسابرس با بازده دارایی ها رابطه معناداری ندارد. نتایج همچنین بیانگر عدم وجود رابطه معنادار بین سایر متغیر های مورد بررسی در مدل با متغیر وابسته می باشد.

برآورد پارامترهای مدل مربوط به آزمون فرضیه های دوم و چهارم پژوهش

پس از تعیین روش برازش نهایی برای تخمین مدل آزمون فرضیه های دوم و چهارم پژوهش، نتایج حاصل از برازش مدل به شرح جدول ذیل برآورد می گردد:

جدول ۷ نتایج برازش مدل مربوط به آزمون فرضیه های دوم و چهارم پژوهش

متغیرها	نماد	ضرایب رگرسیون	انحراف معیار	آماره t	P - Value
مقدار ثابت	β_0	۰/۲۳۵	۰/۲۶۵	۰/۸۱۲	۰/۴۲۱
خودشیفتگی مدیران	Manager	۰/۰۴۶	۰/۰۹۷	۲,۰۴۱	۰/۰۳۱۲
اندازه حسابرس	Audit size	۰/۰۱۲	۰/۰۳۲	۰/۵۶۲	۰/۶۴۵
تقابل خودشیفتگی مدیران و اندازه حسابرس	Manager× audit size	۰/۱۵۳	۰/۱۰۶	۱/۴۵۲	۰/۱۴۷
استقلال هیات مدیره	BDIND	۰/۷۴۲	۰/۰۲۱۵	۲/۰۲۵	۰/۰۳۶
اهرم مالی	leverage	۰/۱۴۵	۰/۰۳۶	۱,۹۹۷	۰/۰۴۱
اندازه شرکت	Size	-۰/۰۵۴	۰/۲۱	-۱/۱۴۵	۰/۰۹۶۵
نسبت ارزش بازار به ارزش دفتری حقوق صاحبان سهام	MB	۰/۰۴۵۱	۰/۰۵۱	۰/۳۶۵	۰/۸۱۲
سن شرکت	Firm age	۰/۰۴۲۳	۰/۰۸۷	۰/۶۳۵	۰/۳۶۲
ضریب تعیین	۰/۲۶۱	آماره F مدل	۵/۱۲۴		
ضریب تعیین تعدیل شده	۰/۲۴۸	سطح معناداری رگرسیون	۰/۰۰۰		

با توجه به ارقام بدست آمده در جدول فوق، سطح معناداری متغیر تقابل خودشیفتگی مدیران و اندازه حسابرس با بازده حقوق صاحبان سهام که بیشتر از ۵٪ می باشد لذا فرضیه H_0 پذیرفته و فرضیه H_1 رد می شود.

همچنین، آماره F مدل و احتمال آن به ترتیب برابر ۵/۱۲۴ و ۰,۰۰۰ می باشد که نشان از معناداری کل مدل می باشد. ضریب تعیین تعدیل شده مدل برابر ۰/۲۴۸ بوده که حاکی از این امر است، بالغ بر ۲۴ درصد از تغییرات متغیر وابسته توسط متغیرهای توضیحی موجود در مدل تصریح گردیده است.

جدول شماره ۸: خلاصه نتایج تحلیل های آماری

فرضیه	تایید	رد
فرضیه اول	*	
فرضیه دوم		*
فرضیه سوم	*	
فرضیه چهارم		*

درمورد نتایج حاصل از آمار استنباطی تحلیل و آزمون فرضیه های پژوهش، در ادامه گزارش خلاصه ای بیان می گردد:

فرضیه اول: در این فرضیه رابطه بین خودشیفتگی مدیران بر بازده دارایی ها بررسی شده است. با توجه به اینکه p_value این متغیر کمتر از سطح معنا داری ۰/۰۵ و نیز ضریب تعیین آن ۰/۳۲ بود. بنابراین نتایج بیانگر وجود یک ارتباط مثبت و معناداری بین خودشیفتگی مدیران و بازده دارایی ها بوده و این فرضیه مورد پذیرش قرار می گیرد.

فرضیه دوم: در این فرضیه اثر اندازه حسابرِس بر رابطه بین خودشیفتگی مدیران و بازده دارایی ها مورد بررسی قرار گرفته که با توجه به اینکه p_value این متغیر بیشتر از سطح معناداری ۰/۰۵ است این فرضیه پژوهش پذیرفته نمی شود. و اندازه حسابرِس هیچ اثری بر ارتباط بین خودشیفتگی مدیران و بازده دارایی ها ندارد.

فرضیه سوم: در این فرضیه رابطه بین خودشیفتگی مدیران بر بازده حقوق صاحبان سهام بررسی شده است. با توجه به اینکه p_value این متغیر کمتر از سطح معنا داری ۰/۰۵ و نیز ضریب تعیین آن ۰/۴۶ بود. بنابراین نتایج بیانگر وجود یک ارتباط مثبت و معناداری بین خودشیفتگی مدیران و بازده حقوق صاحبان سهام بوده و این فرضیه مورد پذیرش قرار می گیرد.

فرضیه چهارم: در این فرضیه اثر اندازه حسابرِس بر رابطه بین خودشیفتگی مدیران و بازده حقوق صاحبان سهام مورد بررسی قرار گرفته که با توجه به اینکه p_value این متغیر بیشتر از سطح معناداری ۰/۰۵ است این فرضیه پژوهش پذیرفته نمی شود. و اندازه حسابرِس هیچ اثری بر ارتباط بین خودشیفتگی مدیران و بازده حقوق صاحبان سهام ندارد.

نتیجه گیری

از آنجا که مدیران ارشد حاضر در شرکت ها با درجه توانایی های مختلف هستند، لذا ویژگی های شخصیتی افراد زمینه ساز بروز رفتارهای آنان است. در این بین خودشیفتگی است که به طور گسترده به عنوان یک اختلال شخصیت مورد مطالعه قرار گرفته است، دارای چنین ویژگی هایی در میان مدیران است: احساس عمیق از اهمیت شخصی، اشتغال ذهنی با تخیلات موفقیت، باور به اینکه فردی خاص یا بی همتاست، بهره کشی در روابط بین فردی، حسادت ورزیدن به دیگران و داشتن نگرش متکبرانه؛ بنابراین درک آثاری که این نوع ویژگی شخصیتی می تواند بر شرکت داشته باشد از اهمیت بسزایی برخوردار است. بر اساس نتایج بدست آمده از فرضیات پژوهش، می توان این چنین بیان کرد که مدیران خودشیفته برای تایید، تصدیق و تشویق از سوی ذینفعان و همچنین حفظ و ارتقای جایگاه خویش درصدد نمایش عملکرد مالی مطلوب هستن و ممکن است این کار در کوتاه مدت از طریق فعالیت های منتهی به مدیریت سود دستکاری شده هستند و از این رو از درآمد واقعی غافل می گردند. علاوه بر این در راستای آزمون فرضیه های پژوهش می توان چنین اظهار داشت که خصوصیات شخصیتی مدیران خودشیفتگی در مقایسه با دیگر مدیران، آنان را در جهت انجام اقداماتی سوق می دهد که از عرف سرباز زده و در پی توجه و ستایش دیگران هستند و این اقدامات در نهایت عملکرد سازمان را تحت تأثیر قرار خواهد داد. لذا، تعصبات شخصی و توهم های مثبت مدیران خودشیفته بر عرضه اطلاعات مالی به بورس اوراق بهادار تأثیر گذاشته و از این رو، این مدیران تمایل به نادیده گرفتن بازخوردهای منفی محرمانه از عقل خویش دارند و اطلاعات را در زمان ارتباط با سهامداران در مورد عملکرد شرکت به طور طبیعی نادیده می گیرند. افزون بر این، مدیران خودشیفته ممکن است آگاهانه اطلاعات ارسالی جهت متقاعد کردن سرمایه گذاران، که پروژه های در حال انجام، آینده امیدوار کننده ای دارند، تحریف کنند. به این ترتیب، بروز این پدیده در بین مدیران باعث خواهد شد تا با استفاده از روش هایی مانند مدیریت سود، درآمدهای شرکت را به نوعی بالاتر از میزان واقعی گزارش کنند و این مسئله باعث افزایش خوش بینی سرمایه گذاران از درآمدهای دائمی شرکت شده و در کوتاه مدت منجر به افزایش قیمت سهام شرکت به بالاتر از میزان واقعی گردد و به اصطلاح قیمت سهام شرکت دچار پدیده حباب قیمتی می شود. اما با رسیدن حجم اطلاعات منفی انباشته شده به آن مقدار نهایی، دیگر این مدیران قادر نخواهند بود که از انتشار این نوع اخبار به بازار و سرمایه گذاران جلوگیری نمایند و لذا سقوط قیمت سهام با توجه به تجدیدنظر ناگهانی و منفی در انتظارات سرمایه گذاران اتفاق خواهد افتاد و بدین ترتیب بر مدیریت درآمد واقعی تأثیر مخرب دارد. از طرف دیگر بر اساس نتایج پژوهش هرچه شرکت ها از کیفیت حسابرسی بیشتری برخوردار باشد، مدیران خودشیفته کمتر می توانند بر عملکرد مالی شرکت ها اثر بگذارند. حسابرسان بزرگ به دلیل شهرت زیاد و حسابرسان با تجربه و با دانش کافی و همچنین انجام کار با کیفیت بالا، نفوذ بیشتری بر مدیران دارند و با دقت بیشتری بر کار مدیران نظارت دارند. اما نتایج فرضیات این مورد را تایید نکرد.

۵-۶- پیشنهاد برای پژوهش های آتی

به منظور استفاده هر چه بیشتر از نتایج پژوهش و همچنین بسط و گسترش مطالعات در این زمینه، پیشنهاد می شود به موضوع های زیر توجه بیشتری شود:

بررسی تأثیر سایر سویه های رفتاری از جمله کوتاه بینی مدیران بر عملکرد مالی شرکت های پذیرفته شده در بورس
بررسی تأثیر نقش خودشیفتگی مدیران بر سایر متغیرها از جمله سیاست های تقسیم سود شرکتها.
بررسی ارتباط خصوصیت مدیریتی مورد مطالعه این پژوهش با کیفیت افشای اطلاعات نیز می تواند یکی از موضوعات مورد بررسی در آتی باشد.

منابع :

حسینی، محمد، عظیم زاده، نفیسه، (۱۳۹۶)، رابطه بین کیفیت حسابرسی مدیریت سود ناشی از اقلام تعهدی، پژوهش های نوین در حسابداری و حسابرسی، دوره (۱)، صص ۱۶۸-۱۳۹.

خواجوی، شکرالله؛ علی اصغر دهقانی؛ سعدی فرزاد و گرامی شیرازی. (۱۳۹۵). تأثیر خودشیفتگی مدیران بر مدیریت سود و عملکرد مالی. پیشرفت های حسابداری؛ دوره هشتم، شماره ۲ (پیاپی ۳/۷۱)

رجبی، حسین، (۱۳۹۵)، خودشیفتگی مدیریت در سازمان ها، کنفرانس بین المللی مدیریت و حسابداری، تهران، موسسه آموزش عالی نیکان.

فتاحی نافچی، حسن و عاطفه فاضل دهکردی. (۱۳۹۷). بررسی تاثیر کیفیت حسابرسی بر مدیریت سود مبتنی بر اقلام تعهدی و مدیریت سود واقعی شرکتهای پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران. فصلنامه چشم انداز حسابداری و مدیریت، دوره ۱، شماره ۲، مقاله ۶: ۶۸-۸۲.

Alzoubi.E.(۲۰۱۷). Audit quality ,debt financing and earnings management: Evidence from Jorden. Journal of International Accounting, (۱۷)۱۷۰-۱۸۹.

Capalbo .Francesco. Alex Frino.Ming Ying Lim. Vito Mollica. (۲۰۱۸).The Impact of CEO Narcissism on Earnings Management. ABACUS ,Vol. ۵۴No. ۲.

Jasman Jasman. Murwaningsari .Etty. (۲۰۱۸). the roles of internal audit quality on the relationship between narcissistic CEOs and real earnings management. *Journal of Business and Retail Management Research (JBRMR)* ,Vol. ۱۳Issue ۱.

Blair, Carrie A.; Hoffman, Brian J. & Helland, Katherine R. (2008). Narcissism in Organizaions: A Multisource Appraisal Reflects Different Perspectives. *Human Performance*, 21:254–2۷۶.

Chen, Y., Hsu, Y., Huang, M., & Yang, P. (2013). Quality, size and performance of audit firms. *The International Journal of Business and Finance Research*, 7(5): 89 – 1۰۵.